

انگلستان

---

سرشناسه: لیس، ویلیام دبلیو،  
عنوان و نام پدیدآور: انگلستان / ویلیام و. لیس؛ ترجمه فاطمه شاداب.  
مشخصات نشر: تهران: ققنوس، ۱۳۸۷.  
مشخصات ظاهری: ۱۶۸ ص: مصور، جدول.  
شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۳۱۱-۷۳۵-۱  
وضعیت فهرست نویسی: فیپا  
یادداشت: عنوان اصلی: *England, c1997*  
یادداشت: نمایه.  
موضوع: انگلستان.  
موضوع: انگلستان - ادبیات نوجوانان.  
شناسه افزوده: شاداب، فاطمه، ۱۳۴۶ - ، مترجم.  
رده بندی کنگره: ۱۳۸۶ الف۸/۵ DA۲۷  
رده بندی دیویی: ۹۴۲  
شماره کتابشناسی ملی: ۱۱۲۰۵۳۹

---

# انگلستان

ويليام و. ليس

ترجمة فاطمه شاداب



این کتاب ترجمه‌ای است از:

**England**

*William W. Lace*

Lucent Books, 1997



انتشارات ققنوس

تهران، خیابان انقلاب، خیابان شهدای ژاندارمری،

شماره ۱۱۱، تلفن ۴۰ ۸۶ ۴۰ ۶۶

\* \* \*

ویلیام و. لیس

مجموعه ملل امروز

انگلستان

ترجمه فاطمه شاداب

چاپ سوم

۱۲۰۰ نسخه

پاییز ۱۳۹۳

چاپ شمشاد

حق چاپ محفوظ است

شابک: ۱ - ۷۳۵ - ۱۱ - ۳ - ۹۶۴ - ۹۷۸

ISBN: 978 - 964 - 311 - 735 - 1

[www.qoqnoos.ir](http://www.qoqnoos.ir)

*Printed in Iran*

## فهرست

|                                           |     |
|-------------------------------------------|-----|
| مقدمه .....                               | ۷   |
| ۱. سرزمین .....                           | ۱۳  |
| ۲. مردم .....                             | ۳۳  |
| ۳. رو به سوی کشوری امروزی .....           | ۵۱  |
| ۴. ظهور و سقوط امپراتوری .....            | ۷۳  |
| ۵. انگلستان امروز .....                   | ۹۵  |
| ۶. کشوری که تاریخ در آن جا زنده است ..... | ۱۱۷ |
| مؤخره: میراث انگلستان .....               | ۱۳۷ |
| نکاتی راجع به انگلستان .....              | ۱۴۵ |
| گاهشمار .....                             | ۱۴۹ |
| برای مطالعهٔ بیش تر .....                 | ۱۵۷ |
| منابع مورد مشاوره .....                   | ۱۶۱ |
| نمایه .....                               | ۱۶۵ |



## مقدمه

### «جزیره سلطنتی»

انگلستان کشور پهناوری نیست. وسعت آن در مقایسه با ایالت‌های ایالات متحده در مقام بیست و نهم قرار می‌گیرد، یعنی از ایالت کارولینای شمالی بزرگ‌تر و از ایالت آلاباما اندکی کوچک‌تر است. یک موتورسوار می‌تواند سفری را از ناتینگهام در مرکز انگلستان شروع کند و به آسانی طی یک سفر یک روزه به هر قسمتی از کشور که می‌خواهد، برسد.

انگلستان کشور اصلی از میان چهار کشور تشکیل دهنده بریتانیای کبیر و ایرلند شمالی است. روزگاری انگلستان از نظر نظامی قدرتمندترین کشور جهان بود. نیروهای نظامی کشور طی جنگ جهانی اول تضعیف و در جنگ جهانی دوم تقریباً نابود شد. پس از آن انگلستان هیچ‌گاه به برتری نظامی قبل از دوران جنگ دست نیافت و از ابرقدرت‌هایی چون ایالات متحده، اتحاد جماهیر شوروی و جمهوری خلق چین عقب افتاد.

### عصر برتری

انگلستان روزگاری برترین قدرت سیاسی جهان به شمار می‌آمد. با نفوذ انگلستان رؤسای جمهور و پادشاهانی به قدرت می‌رسیدند یا عزل می‌شدند. اما امروزه نقش رهبری‌کننده انگلستان در سطح جهانی تا حد نقش حمایت‌کننده کاهش یافته است.

روزگاری انگلستان ثروتمندترین کشور جهان بود. امپراتوری



مستعمراتی بریتانیا طی دهه‌های بعد از جنگ جهانی دوم ذره ذره تحلیل رفته و به همراه آن مقدار زیادی از ثروت انگلستان هم به باد رفته است. امروزه نیویورک و توکیو جانشین لندن که روزگاری پایتخت اقتصادی جهان بود، شده‌اند. انگلستان هنوز هم یکی از کشورهای صنعتی بزرگ جهان به شمار می‌آید ولی درآمد سرانه در انگلستان کم‌تر از فرانسه و ایتالیا است.

اهمیت انگلستان به لحاظ وضعیت امروزی‌اش نیست، بلکه به لحاظ وضعیتی است که قبلاً داشته است. این کشور کوچک جزیره‌ای، به مدت چندین قرن سکونتگاه قبایل وحشی و آخرین حد تمدن به شمار می‌آمد،

ولی بعد از حدود یک قرن پس از جنگ‌های داخلی و خارجی که در قرون وسطی رخ داد، به سرعت به موقعیتی برتر دست یافت و خیلی زود به مرتبه ممتاز جهانی رسید. در آن موقعیت انگلستان بیش از هر کشور دیگری در طول تاریخ – شاید فقط روم و یونان باستان استثنا باشند – بر جهان تأثیر داشته است.

ویلیام شکسپیر در کتاب ریچارد دوم انگلستان را «سنگی قیمتی در میان دریای نقره‌گون» توصیف کرده است. انگلستان در دوران عظمتش در واقع شبیه یک الماس بود که با ظرافت تراشیده شده و صیقل یافته و پرتو فرهنگش را تقریباً به هر گوشه‌ای از جهان بازتابانده است. هنگامی که پرچم بریتانیای کبیر در همه جای دنیا برافراشته بود، آیین و رسوم بریتانیایی در سراسر جهان ریشه گرفت و شکوفا شد. مهاراجه‌های هندی، سلطان‌های آفریقایی و رؤسای قبیله در آمریکا پسرانشان را برای تحصیل به دانشگاه‌های انگلستان می‌فرستادند. این پسران به میهنشان بازمی‌گشتند تا با اندیشه‌ها و ایده‌آل‌های انگلیسی حکومت کنند.

## زبانی جهانی

به همین دلایل زبان انگلیسی در میان سایر زبان‌ها جایگاهی استثنایی دارد. حتی در کشورهایی که انگلیسی زبان مادری نیست، بیش‌ترین میزان آموزش در مدارس مربوط به این زبان است. مثلاً هنگامی که خلبانان خطوط هواپیمایی کُره با برج مراقبت پرواز در رم صحبت می‌کنند، از زبان انگلیسی استفاده می‌کنند.

انتشار زبان انگلیسی در جهان منجر به انتشار ادبیات انگلیسی هم شده است. شکسپیر نویسنده مشهوری است که در طول تاریخ آثارش بیش از هر نویسنده دیگری مطالعه شده است. نویسندگان و نمایشنامه‌نویسان انگلیسی‌زبان نه تنها در انگلستان، بلکه در ایالات متحده، کانادا و استرالیا هم سبب شده‌اند تا زبان انگلیسی در ادبیات جهان بیش‌ترین نقش را داشته باشد.

به همین ترتیب، نظام قضایی بیش‌تر کشورهای جهان بر اساس حقوق



ساختمان پارلمان انگلستان که در طول رودخانه تایمز بنا شده است. حکومت‌های پارلمانی در سراسر جهان از قوانین انگلستان به عنوان الگو و نمونه استفاده کرده‌اند.

عرفی انگلستان طراحی شده که طبق آن قضات حرفه‌ای برای اجرای عدالت از سنت به عنوان اصول راهنما استفاده می‌کنند. از مجازات‌های نظام قضایی انگلستان نیز در سراسر جهان الگوبرداری شده است. حتی قضات نایروبی ممکن است مثل قضات لندن کلاه گیزی بافته شده از موی اسب بر سر بگذارند. و در بیش‌تر نظام‌های قضایی هیئت منصفه در صدور رأی دخالت دارد که باز هم یکی از نوآوری‌های انگلیسی‌هاست. رسوم و سازمان‌های حکومتی انگلیسی نیز در همه جای دنیا یافت می‌شود. نظام‌های پارلمانی در سراسر دنیا از پارلمان انگلستان الگوبرداری شده‌اند. ساختارهای اجرایی دولت ایالات متحده و نیز اغلب ایالت‌های آمریکا مثل پارلمان انگلستان به دو بخش تقسیم شده‌اند. نظام احزاب سیاسی نیز که امروزه تقریباً در اغلب کشورهای دنیا رواج دارد، از انگلستان آغاز شده است.

### کلیسای انگلستان

در انگلستان دین نیز همچون نظام حکومتی و حقوقی آن، اختصاص به آن کشور دارد. هنگامی که هنری هشتم پادشاه انگلستان در سال ۱۵۳۴ میلادی از کلیسای کاتولیک رُم جدا شد، کلیسای انگلستان را تأسیس کرد. کلیسای او توسعه یافت و شعب مختلفی از آن به وجود آمد که روی هم رفته آن‌ها را کلیسای آنگلیکان می‌نامند که امروزه در سراسر دنیا بیش از نود میلیون نفر عضو دارد.

انگلستان علاوه بر نقش چشمگیری که در فرهنگ و جامعه داشته است، خیالپردازی نیز در این کشور مهم بوده است. در انگلستان آرتور پادشاه اسطوره‌ای و ریچارد شیردل افسانه‌ای رفتاری متهورانه را به نمایش گذاشته‌اند و هنری هشتم نیز از زنان بسیاری خواستگاری کرده و آن‌ها را به همسری گرفته است. انگلستان کشور کاخ‌ها و کریکت است، کشور کاخ باکینگهام و گروه بیتل‌ها، سرزمینی که در آن گذشته و حال در کنار هم وجود دارند، جایی که ساختمان‌های هزار ساله با دود کارخانه‌های امروزی اندود شده‌اند. این انگلستان است، با گذشته‌ای پرشکوه و آینده‌ای نامعلوم.



## سرزمین

برجسته‌ترین نکته جغرافیایی در انگلستان این است که این کشور یک جزیره یا به عبارت بهتر بخشی از یک جزیره است و این نکته بر تاریخ، هویت و فرهنگ کشور تأثیر به‌سزایی داشته است. انگلستان در بزرگ‌ترین جزیره از مجمع‌الجزایر بریتانیا و کمی بالاتر از قسمت اصلی اروپا واقع شده است. کانال مانش انگلستان را از فرانسه و دریای شمال آن را از بلژیک و هلند جدا می‌کند. به همین دلیل نیز انگلیسی‌ها همیشه خود را تا حدی از بقیه اروپا جدا و بالاتر می‌دانند، با وجودی که فقط یک عرصه آبی به طول ۳۵ کیلومتر آن‌ها را از بقیه اروپا جدا می‌کند.

## آب و هوای معتدل

انگلستان در بخش جنوبی بریتانیا واقع شده و از غرب با ولز و از شمال با اسکاتلند هم‌مرز است. وسعت انگلستان حدود ۱۲۸۹۳۰ کیلومتر مربع است. به نظر می‌رسد شمالی‌ترین بخش کشور آب و هوای سردی داشته باشد. با آن‌که عرض جغرافیایی شهر انگلیسی برویک<sup>۱</sup> با کپنهاگ، مسکو و جونو در آلاسکا یکسان است، اما به لطف جریان آب و هوای گرم جریان آب گلف استریم<sup>۲</sup> که از دریای کارائیب منشأ می‌گیرد و عرض اقیانوس اطلس را می‌پیماید و به این منطقه می‌رسد، انگلستان آب و هوای معتدلی دارد. متوسط دمای لندن در ماه ژانویه چهار درجه سانتیگراد و در ماه ژوئیه هفده درجه سانتیگراد است.

1. Berwick

2. Gulf Stream



هرچند انگلستان آب و هوایی معتدل دارد ولی ریزش باران به صورت کوتاه و مکرر معمول است. در این جا طرفداران تنیس در زیر چتر منتظر شروع مسابقات هستند.

تغییرات دمایی ناچیز است. در تابستان حداکثر دما به ندرت به حدود ۳۲ درجه سانتیگراد می‌رسد که جای خوشوقتی است چون امکانات تهویه هوا بسیار محدود است. به همین ترتیب هوا به ندرت هم بسیار سرد می‌شود. ریزش برف به خصوص در بخش کوهستانی شمالی معمول است ولی مقدار ریزش برف در حد متوسط است و خیلی سریع هم ذوب می‌شود. کریسمس برفی در لندن به ندرت اتفاق می‌افتد. مقدار ریزش باران هم در انگلستان در حد متوسط است. بخش غربی کشور به دلیل وزش بادهای مرطوب از اقیانوس اطلس، بیشترین مقدار ریزش باران را دارد. مقدار متوسط ریزش باران سالانه در شهر پنزانس<sup>۱</sup> در جنوب غربی حدود ۱۰۵ سانتیمتر و در شهر کزویک<sup>۲</sup> در شمال غربی حدود ۱۴۵ سانتیمتر است. در مقابل، در لندن که در شرق کشور واقع شده است، مقدار متوسط ریزش باران ۵۸ سانتیمتر و در دوور در ساحل شرقی ۸۲/۵ سانتیمتر است.

شهرت انگلستان به این که کشوری مرطوب است به دلیل دفعات

1. Penzance

2. Keswick

ریزش باران است نه به خاطر مقدار باران. بیشترین زمان ریزش باران بین ماه‌های اکتبر و ژانویه است. اما رگبارهای کوتاه و خفیف تقریباً هر روز حتی در گرم‌ترین ماه‌های تابستان هم می‌بارد. در انگلستان اگر در منطقه‌ای به مدت سه هفته متوالی باران نیارد، رسماً خشکسالی رخ داده است.

در مورد آب و هوای انگلستان همواره نظرهای ضد و نقیضی ارائه شده است که به خصوص به دیدگاه‌های شخصی مربوط می‌شود. تاسیتوس مورخ رومی هوای انگلستان را «ناخوشایند و زنده، مه‌آلود و همیشه بارانی» توصیف کرده است. البته، تاسیتوس اهل بخش‌های گرم و آفتابی ایتالیا بود. در مقابل چارلز دوم پادشاه انگلستان گفته است که «همه می‌توانند بجز پنج روز در سال از فعالیت در فضای باز لذت ببرند».

انگلستان را به سختی می‌توان به دو منطقه اقلیمی تقسیم کرد. اگر خطی شمال شرقی را به جنوب غربی متصل کند، آنچه در شرق این خط فرضی قرار می‌گیرد معمولاً زمین‌های پست هستند و بخش‌هایی که در غرب خط قرار می‌گیرند سرزمین‌های بلند به شمار می‌آیند. البته سرزمین‌های بلند یک اصطلاح نسبی است، زیرا مرتفع‌ترین نقطه انگلستان که قله اسکافل<sup>۱</sup> نام دارد فقط ۹۶۳ متر بالاتر از سطح دریاست. فقط در ولز در غرب و در اسکاتلند در شمال، کوه‌های واقعی یافت می‌شوند.

روزگاری بریتانیا بخشی از سرزمین اصلی اروپا بود؛ فرانسه و انگلستان با یک باریکه راه خاکی به هم متصل بودند تا این که حدود پنج هزار سال قبل از میلاد، با ذوب شدن یخچال‌ها و بالا آمدن سطح آب دریاها، انگلستان از بقیه اروپا جدا شد. در نقشه توپوگرافیک اروپا می‌توان این نکته را دریافت که جزایر بریتانیا در واقع زائده‌ای از سرزمین اصلی اروپا هستند. کوه‌های نروژ، سرزمین‌های بلند اسکاتلند و سرزمین‌های مرتفع ایرلند در واقع یک خط مستقیم هستند و روزگاری همگی یک

1. Scafell Pike



منظره‌ای از پل وست‌مینستر لندن در شب. بیگ بن و پارلمان انگلستان در پس‌زمینه دیده می‌شود.

رشته کوه بوده‌اند. زمین‌های پست و باتلاقی انگلیای<sup>۱</sup> شرقی نیز با زمین‌های پست هلند که با چندین کیلومتر راه دریایی از هم جدا شده‌اند، شبیه هستند. در واقع اگر بریتانیا کمی به سمت شرقی هل داده شود، مثل قطعه‌ای از یک جورچین به سرزمین اصلی اروپا متصل می‌شود. هرچند انگلستان را می‌توان به دو بخش تقسیم کرد، اما پوشش گیاهی و نوع خاک در هر قسمت تفاوت‌های بسیاری می‌کند. در واقع تنوع چشم‌اندازها در انگلستان از آنچه در چنین پهنه کوچکی معمول است بیش‌تر است. در یک گذار چند ساعته در کشور می‌توان باتلاق‌ها، تپه‌های شنی، جنگل‌های انبوه، کوه‌ها و دشت‌های برهوت را دید. مثل این است که سرزمین‌های وسیعی که در کشورهای دیگر صدها کیلومتر امتداد یافته‌اند، در انگلستان فشرده و کنار هم قرار داده شده‌اند.

## لندن

هرگاه در مورد انگلستان سخنی گفته شود چه در باره حکومت باشد چه در مورد فرهنگ، بازرگانی یا جغرافیا بحث با لندن شروع می‌شود،

1. Anglia

## حصارهای زنده



یکی از دلپذیرترین بخش‌های چشم‌اندازهای انگلستان حصارهایی هستند که گاهی قدمت آن‌ها به بیش از هزار سال می‌رسد و مراتع و زمین‌ها را احاطه می‌کنند. این حصارها از سیم خاردار یا سنگ نیستند. بلکه گیاهانی هستند که کاشته و پرورش داده شده و طی سده‌ها از آن‌ها نگهداری شده است. این حصارهای زنده را پرچین می‌نامند.

اولین پرچین‌ها در انگلستان توسط آنگلو ساکسون‌هایی که در این ناحیه ساکن شده بودند، احداث شد. آن‌ها در زادگاه اروپایی‌شان هم چنین حصارهایی برپا می‌کردند. از این حصارها به منظور تعیین حوزه روستاها، محصور کردن خانه‌ها و نیز دفاع در مقابل حمله‌های احتمالی استفاده می‌شد. اغلب حصارهای آنگلو ساکسون‌ها حصارهای بی‌جانی بودند که از شاخه‌های خفچه درهم بافته در میان پایه‌های چوبی درست می‌کردند. مشکلی که حصارهای بی‌جان ایجاد می‌کرد، نیاز مکرر آن‌ها به تعمیر و ترمیم بود. در سال ۱۰۶۶ در هنگام حمله نورمن‌ها، حصارهای «زنده» یا «سریع» جایگزین حصارهای بی‌جان شدند. این نوع حصار را با درختان زنده و لیک درست می‌کردند. سال‌ها طول کشید تا حصارهای زنده رشد کنند. در ابتدا، لازم بود که آن‌ها را با پایه‌ها و بافته‌هایی از شاخه‌های درخت فندق تقویت کنند. اما با گذشت زمان بوته‌های خفچه رشد کردند و در هم تنیده شدند، به طوری که خارهایشان مانع از عبور جانوران می‌شد. با گذشت زمان باد بذر سایر گیاهان را به درون این بوته‌ها آورد و انواع دیگر گیاهان ریشه کردند و حصارها را محکم‌تر ساختند. درختانی چون درخت بلوط، زبان گنجشک و نارون رشد کردند و به منظور ساختمان‌سازی و تأمین آتش مورد استفاده قرار گرفتند. گل‌ها و گیاهان دارویی در پای بوته‌ها رشد کردند و برای استفاده‌های دارویی چیده شدند. افراد ماهر می‌توانند با شمارش انواع گیاهان و درختان موجود در یک حصار، سن آن را تخمین بزنند.



حصارهای زنده به نگهداری سالانه نیاز دارند. بعضی بوته‌ها و درختان از بین می‌روند و باید گیاهان دیگری جایگزینشان شوند. برای زمینداران نورمن مهم‌ترین نکته این بود که قد حصارها تا شانه یک مرد برسد و به اندازه کافی بلند باشد که از اسباب و اثاث خانه محافظت کند ولی در عین حال بتوان از فراز آن طرف دیگرش را دید و به

ارتفاعی باشد که اسب بتواند در هنگام شکار از روی آن بپرد.

حصارهای قدیمی، حصارهایی زنده هستند که در

چشم‌اندازهای انگلستان دیده می‌شوند.

پایتختی چنان عظیم که خود می‌تواند یک منطقهٔ جغرافیایی به حساب بیاید. لندن که برای جهانگردان و گردشگران آشناست فقط بخش کوچکی از لندن بزرگ است که پهنه‌ای حدود ۲۰۵۰ کیلومتر مربع را اشغال کرده است. لندن در یک حوضهٔ آبگیر به طول تقریباً هشتاد کیلومتر در دو سوی رود تایمز ساخته شده است و حدود ۱۶۰ کیلومتر از دریا فاصله دارد. چون از طریق رود تایمز دسترسی به سرزمین اصلی اروپا آسان است، پس طبیعی بوده که در کنارهٔ این رود، بندرگاهی ساخته شود. هر چند در نزدیکی‌های لندن محل‌های استقرار قدیمی‌تری وجود داشت، اما لندن اولین محلی بود که توسط رومی‌ها در سدهٔ اول میلادی روی تپه‌های شنی واقع در کناره‌های باتلاقی رودخانه ساخته شد. این مناطق مستحکم در میان باتلاق‌ها وجه تسمیه بعضی از مناطق لندن مثل چلسی (Chelsea) و باترسی (Battersea) هستند، زیرا پسوند «ea» در زبان قدیمی ساکسون به معنای جزیره بوده است.

در شرق لندن، جایی که رود تایمز به دریا می‌ریزد، زمین پست‌تر و باتلاقی‌تر می‌شود. اما در غرب شهر ارتفاع زمین افزایش می‌یابد تا به چیلترن هیلز<sup>۱</sup> می‌رسد، جایی که جنگل درختان راش و توس آغاز می‌شود. درهٔ رود تایمز علاوه بر شهر بزرگ لندن، بخش‌های بزرگی از استان‌های باکینگهام‌شایر<sup>۲</sup> و برکشایر<sup>۳</sup> و مناطق حومهٔ لندن را که به سوری،<sup>۴</sup> اسکس<sup>۵</sup> و هرتفوردشایر<sup>۶</sup> می‌رسند، دربر می‌گیرد.

آکسفوردشایر<sup>۷</sup> پشت چیلترن هیلز قرار دارد و استانی است که تقریباً کاملاً در حوضهٔ رود تایمز واقع شده است. خاک رسی این زمین‌های پست برای رویدن علف و تغذیهٔ گله‌های گاو و گوساله مناسب است و آکسفوردشایر مرکز تولید گوشت گاو است. تپه‌های آهکی شمال و جنوب غربی مراتع خوبی برای چرای گوسفندها پدید آورده است. از استخراج معادن این منطقه سنگ آهن، خاک رس و انواع سنگ‌ها حاصل می‌شود.

1. Chiltern Hills

2. Buckinghamshire

3. Berkshire

4. Surrey

5. Essex

6. Hertfordshire

7. Oxfordshire

## جنوب و جنوب شرقی

خوشایندترین آب و هوای انگلستان و بعضی از بهترین زمین‌های کشاورزی در مناطق جنوب لندن در استان‌های کنت، سوری، ساسکس<sup>۱</sup> غربی و شرقی و هامپشایر یافت می‌شود. در گذر از شرق به غرب از میان بخش جنوب غربی انگلستان به ویلد<sup>۲</sup> می‌رسیم، تپه‌ای از جنس ماسه سنگ که شیب آن در سوی دیگر به زمین‌های پست از جنس خاک رس ختم می‌شود.

بخش‌هایی از ویلدن دام<sup>۳</sup> با جنگل‌های انبوه درختان زبان گنجشک، فندق، شاه بلوط، و بلوط پوشیده شده است. این جنگل‌ها بقایایی از جنگل عظیم آندرد<sup>۴</sup> است که روزگاری تمام منطقه را پوشانده بود. در واقع روزگاری بخش بزرگی از انگلستان از جنگل‌هایی چنان وسیع پوشیده شده بود که گفته می‌شد یک سنجاب می‌توانست بدون این که پایش را زمین بگذارد طول یا عرض کشور را بپیماید. اما طی قرن‌ها جنگل‌ها به تدریج ناپدید شده‌اند و درختان به منظور کشاورزی، تهیه سوخت یا ساخت کشتی قطع شده‌اند.

زمین‌های پست ویلد، با خاک حاصلخیز و آب و هوای ملایم، گاهی اوقات «باغ میوه انگلستان» نامیده می‌شود. محصولات اصلی این منطقه سیب، هلو و گیلاس است. در این منطقه گیاه رازک هم به فراوانی می‌روید که گل‌هایش بعد از خشک شدن در تولید آبجو و ایل<sup>۵</sup> (نوعی آبجوی قوی) به کار می‌رود.

یکی از ویژگی‌های بارز استان کنت وجود کوره‌های رازک خشک‌کنی است، کوره‌هایی با برج‌های مخروطی که محل خشک کردن رازک هستند. در سوی دیگر ویلد، رشته تپه‌های گچی که «داون» نامیده می‌شوند، قرار دارند. این نام از واژه قدیمی آنگلو ساکسون به معنای کوه گرفته شده است. داون شمالی از شرق همپشایر شروع می‌شود و به سوی جنوب لندن تا تنگه دوور ادامه می‌یابد. داون جنوبی در امتداد ساحل جنوبی

1. Sussex

2. Weald

3. Wealden Dome

4. Andred

5. ale



### آثار هنری گچی

در بسیاری از مناطق انگلستان چشم‌اندازها شامل تپه‌های گچی است که با لایه‌ای خاک و علف پوشیده شده‌اند. مردمان کهن بریتانیا و نوادگانشان طی سده‌ها از این جلوه طبیعی به عنوان صحنه‌ای برای ارائه آثار هنری استفاده کرده‌اند. ایبرایی‌ها<sup>۱</sup> اولین کسانی بودند که متوجه شدند با کنار زدن خاک‌های سطحی و پوشش گیاهی می‌توان روی سطح سفید رنگ گچی تصاویر عظیمی در طرفین تپه‌ها کشید. معلوم نیست آیا آن‌ها با کشیدن این تصاویر هدفی را دنبال می‌کرده‌اند یا خیر، ولی دانشمندان می‌گویند این تصاویر ممکن است تصاویر چیزهایی مقدس باشد یا به عنوان علامتی برای تعیین حدود و حوزه هر قبیله به کار رفته باشد.

قدیمی‌ترین تصویر گچی تصویر اسب سفید آفینگتون<sup>۲</sup> است که در چند کیلومتری جنوب غربی آکسفورد واقع شده است. با وجودی که طبق افسانه‌ها این تصویر توسط رئیس ساکسون‌ها به نام هنگیست<sup>۳</sup> که در آلمانی معنای «اسب نر» می‌دهد – پدید آمده است، اما در واقع قدمت آن بیش از این است. گمان می‌رود که هنگیست حدود سال ۴۵۰ میلادی به انگلستان آمده باشد، در حالی که صاحب‌نظران زمان کشیدن اسب سفید را که طول آن از نوک بینی تا دم به حدود ۱۰۵ متر می‌رسد، حدود سه هزار سال قبل از میلاد مسیح تخمین می‌زنند.

اسب یکی از موضوع‌های معمول در رسم تصاویر گچی بوده است، هر چند تصاویر انسانی هم ترسیم شده‌اند. نزدیک به روستای سرن اباس<sup>۴</sup> در وسکس<sup>۵</sup> یک تصویر عظیم‌الجثه از مردی ۵۴ متری وجود دارد که جسمی شبیه به چماق در دست دارد. این تصویر که به نظر می‌رسد دو هزار سال قدمت داشته باشد، در واقع تصویر جنگنده‌ای از عصر آهن را نشان می‌دهد. یکی دیگر از تصاویر انسانی که اندازه‌های آن با تناسب عجیبی رسم شده است، تصویر مرد بلند (دراز) نزدیک شهر لوس<sup>۶</sup> در ساسکس است.



تصاویر گچی حک شده بر دامنه تپه‌ها هزاران سال است که بسیاری از بازدیدکنندگان را به وجد می‌آورد.

در سده هجدهم میلادی شور و شوق رسم تصاویر گچی بار دیگر احیا شد و حکاکی‌های جدیدی در دامنه تپه‌ها در سراسر انگلستان صورت گرفت. هرچند اغلب این تصاویر امروزه با پوشش گیاهی پوشیده شده‌اند اما یکی از آن‌ها که باقی مانده است، تصویر اسب سفید بزرگی است نزدیک ساتون بانک<sup>۷</sup> در یورکشایر شمالی. برای حفظ این تصاویر گچی، این تصاویر باید مرتب تمیز و صیقل داده شوند تا پوشش گیاهی روی آن‌ها را نپوشاند.

1. Iberian

2. Uffington

3. Hengist

4. Cerne Abbas

5. Wessex

6. Lewes

7. Sutton Bank

یک کشتی حامل  
جهانگردان در حال عبور  
از مقابل صخره‌های گچی  
زیبا در دوور.



انگلستان از همپشایر و ساسکس می‌گذرد. داون با پیچ و خم‌های ملایمش محل خوبی برای کشت و زرع به نظر می‌رسد، اما خاک منطقه فقیر و نازک است. منطقه داون با علفزارهایی پوشیده شده که مراتع مناسبی برای چرای گوسفندهاست.

داون که در طول بخش زیادی از خط ساحلی جنوب شرقی کشیده شده است به ناگهان به صخره‌های گچی دیدنی منتهی می‌شود. مشهورترین این صخره‌های گچی، صخره‌های سفید دوور هستند. در سایر مناطق، زمین با شیب کمی به ساحل منتهی می‌شود و ساحل ماسه‌ای طولی به وجود می‌آورد. شهرهای ساحلی مثل ایست بورن و برایتون برای انگلیسی‌ها محل مناسبی برای گذراندن تعطیلات هستند.

### آنگلیای شرقی

آنگلیای شرقی در شمال شرقی لندن واقع است و غیرعادی‌ترین منطقه انگلستان به حساب می‌آید. این منطقه که استان‌های اسکس،<sup>۱</sup> سافوک،<sup>۲</sup> نورفوک و کمبریج شایر را شامل می‌شود از نواحی روستایی پست،

1. Essex

2. Suffolk

هموار و معمولاً آب گرفته‌ای تشکیل شده است که به هلند بیش‌تر شباهت دارند تا بریتانیا. در واقع یک بخش از این سرزمین که باتلاقی است پارتز آو هلند [Parts of Holland] نامیده می‌شود.

از نقطه نظر تاریخی، انگلیای شرقی یکی از مناطق دور افتاده انگلستان بوده است که این نه به دلیل فاصله‌اش از لندن، بلکه به دلیل عدم دسترسی به آن بوده است. جاده‌های منتهی به این منطقه کم بوده و باتلاق‌ها، دریاچه‌ها و رودخانه‌های متعدد رسیدن از یک نقطه به نقطه دیگر را بسیار دشوار می‌کرده است. کسانی که خواستار تنهایی و انزوا بودند و نیز بزه‌کارانی که از چنگال قانون می‌گریختند یا راهب‌هایی که ترک دنیا می‌کردند همگی در انگلیای شرقی گرد می‌آمدند. شهرها و روستاها در نقاط مرتفع‌تر که در واقع جزیره‌هایی بوده‌اند، ساخته شده‌اند.

مردمان ماقبل تاریخ روی دیرک‌هایی بر فراز باتلاق خانه می‌ساختند و از پایه‌های هوایی استفاده می‌کردند تا بالاتر از سطح زمین قرار بگیرند. آن‌ها پرندگان را شکار می‌کردند و از نی به عنوان ماده ساختمانی استفاده می‌کردند. فاتحان رومی زهکشی باتلاق‌ها را به منظور توسعه زمین‌های کشاورزی آغاز کردند و این کار تا به امروز ادامه یافته است. امروزه این زمین‌ها از شکل باتلاقی و آب گرفته به زمین‌های شخم‌زده‌ای تبدیل شده‌اند که محصول اصلیشان گندم و سیب‌زمینی است و بخشی از آن‌ها نیز به چراگاه گوسفندان تبدیل شده است. آب هنوز هم نقش مهمی در اقتصاد منطقه ایفا می‌کند و ماهیگیری در آب شیرین و آب شور هنوز هم منبع اصلی درآمد مردم منطقه است.

بخش عمده‌ای از خاک این منطقه از گچ و خاک رس است که البته منطقه برکلند مستثنی است. این منطقه که ناحیه مرزی نورفوک و سافوک است خاک ماسه‌ای دارد که در بقیه مناطق کشور یافت نمی‌شود. یکی دیگر از جنبه‌های منحصر به فرد انگلیای شرقی، نورفوک برودز<sup>۱</sup>

1. Norfolk Broads

(تپه‌های نورفوک) است که رودخانه‌ها و آبگیرهای آن محل مناسبی برای قایقرانی و ماهیگیری است.

### سرزمین‌های میانی

در شمال انگلیای شرقی و در امتداد دریای شمال به سوی شرق تا مرز ولز منطقه وسیعی قرار دارد که آن را سرزمین میانی می‌نامند. این منطقه را معمولاً به دو بخش تقسیم می‌کنند. سرزمین‌های میانی شرقی شامل لینکلن شایر، ناتینگهام شایر، دربی شایر، لایسسترشایر<sup>۱</sup> و نورتهام شایر می‌شود. هفت استان آون،<sup>۲</sup> استافوردشایر، چشایر،<sup>۳</sup> سالوپ، هرфорд و وورستر،<sup>۴</sup> وارویک شایر<sup>۵</sup> و گلوسترشایر<sup>۶</sup> سرزمین‌های میانی غربی را تشکیل می‌دهند.

سرزمین‌های میانی شرقی منطقه متنوعی است که شامل بعضی از بهترین زمین‌های کشاورزی انگلستان، غنی‌ترین معادن زغال سنگ و بزرگ‌ترین عرصه‌های جنگلی است. چشم‌انداز این منطقه هم بسیار متنوع است: شرق لینکلن شایر پست، هموار و باتلاقی و شبیه به انگلیای شرقی است. ارتفاع زمین در گذر به سوی غرب افزایش می‌یابد و شمال غربی دربی شایر شامل مناطق کوهستانی و چند قله بر رشته کوه پناین است که به دلیل چشم‌انداز عالی و تماشایی‌اش منطقه مورد پسند کوهنوردان است. در این میان تپه‌های گچی، زمین‌های پست رُسی، تیغه‌های آهکی و جنگل هم یافت می‌شود.

به طور کلی، در منطقه شرقی سرزمین‌های میانی شرقی کشاورزی اهمیت بیشتری دارد. نیشکر، غلات و سبزی در لینکلن شایر و ناتینگهام شایر به بار می‌آیند و این مناطق به دلیل تولید مواد لبنی به خصوص پنیر تُند استیلتون<sup>۷</sup> معروفند. در قسمت‌های غربی این منطقه ذخایر عظیم زغال سنگ و آهن وجود دارد که سبب شده است تا شهرهای

1. Leicestershire

2. Avon

3. Cheshire

4. Worcester

5. Warwickshire

6. Gloucestershire

7. Stilton



### سرزمین‌های میانی غربی

سرزمین‌های میانی غربی شامل بهترین‌ها و بدترین‌های انگلستان می‌شود. بهترین‌ها عبارتند از تپه‌های زیبای کاتزولڈ هیلز<sup>۱</sup> در جنوب که جابه‌جا روستاهایی دیدنی دارد و خانه‌هایش بام‌های گالی‌پوش دارند و از سنگ‌های نرم و طلایی کاتزولڈ ساخته شده‌اند. بدترین‌ها شامل قسمتی است که سرزمین سیاه خوانده می‌شود. شهرهای صنعتی شمالی مثل بیرمنگام، منچستر و استوک - آن - ترنت<sup>۲</sup> با افق‌های بی‌روح و ردیف‌هایی از خانه‌ها و آپارتمان‌های دود زده مشخص می‌شوند.

در سراسر تاریخ انگلستان جنوب و غرب سرزمین‌های میانی غربی نسبت به شمال آن، جمعیت بیشتری را در خود جای داده است. در این منطقه کشاورزی همیشه مهم بوده است و خاک سرخ رنگ آن که از آهن غنی است، قادر به تولید محصول خوبی از غلات و میوه‌هاست و علفزارهایی دارد که امکان توسعه صنایع لبنی را فراهم می‌کند. در غرب این منطقه، هرфорд و ورسستر قرار دارند که از نظر تولید رازک بعد از کنت مقام دوم را اشغال می‌کنند. در این مناطق گلابی و سیب سیدر (برای شراب) نیز تولید می‌شود. در این منطقه گوساله‌های شیری و گوشتی هم پرورش داده می‌شوند که از میان گوساله‌های گوشتی نژاد سپید چهره هرфорд معروف‌ترین آن‌هاست.

بسیاری از جنگل‌های باقیمانده در انگلستان در بخش جنوبی سرزمین‌های میانی غربی قرار دارند. جنگل دین که روزگاری شکارگاه سلطنتی بود، امروز به پارک ملی تبدیل شده و حدود نود کیلومتر مربع وسعت دارد. بعضی از درختان بلوط این منطقه، از کهنسال‌ترین درختان کشور هستند و در این منطقه درختان عظیم راش هم فراوانند.

در بخش شمالی سرزمین‌های میانی غربی هنوز هم جنگل‌های انبوه وجود دارد. تا سده هجدهم جمعیت اندکی به طور پراکنده در این منطقه ساکن شده بودند. از آن زمان به بعد و به دنبال کشف ذخایر فراوان آهن و

1. Cotswold Hills

2. Stoke - on - Trent

زغال سنگ، صنایع فولاد در این منطقه پایه‌گذاری شد و توسعه یافت و به دنبال آن سایر صنایع سنگین هم به وجود آمد. طی سده نوزدهم و دوران انقلاب صنعتی، روستاهای بخش شمالی سرزمین‌های میانی غربی به مراکز شهری بزرگ و پرجمعیت تبدیل شدند. این بخش از کشور به دلیل دود کارخانه‌ها و گرد زغال که در همه جا - روی ساختمان‌ها، گیاهان و آسمان - پراکنده شده بود و به همه چیز رنگ خاکستری داده بود، سرزمین سیاه نامیده می‌شد. جنگل‌هایی که زمانی روی تپه‌ها را پوشانده بودند، یا به منظور تأمین سوخت یا به دنبال آلودگی و مرگ درختان از بین رفتند.

امروزه کنترل آلودگی و محدودیت‌های دولتی سبب شده تا چشم‌انداز جنگلی مجدداً احیا شود. در حال حاضر استخراج معادن کم‌تر از گذشته شده است ولی این منطقه هنوز هم مهم‌ترین منطقه صنعتی انگلستان است.

### بخش غربی کشور

در جنوب سرزمین‌های میانی غربی و در غرب لندن منطقه‌ای قرار دارد که سرزمین غربی نامیده می‌شود و شامل استان‌های وست‌شایر، سامرست، دورست، دِوُن و کورنوال می‌شود. این منطقه شامل بعضی از چشم‌اندازهای متنوع و دیدنی‌ترین مناظر انگلستان است.

وجه امتیاز استان‌های شرقی وجود زمین‌های مرتفع گچی است و جلگه سالزبری در ویلت‌شایر بیش از هر منطقه دیگری در انگلستان نمای یک مرغزار را دارد. فضاهاى باز و پهناور آن از مدت‌ها پیش منطقه‌ای مناسب برای انجام رزمایش‌های نظامی فراهم آورده است، از جمله مانور سربازان آمریکایی در جنگ جهانی دوم. بین تپه‌های گچی، زمین‌های پستی وجود دارند که خاک آن‌ها مخلوطی از خاک رس و شن و ماسه است که برای پرورش غلات به خصوص جو بسیار مناسب است. تولید مواد لبنی یکی از صنایع مهم منطقه است و این منطقه به واسطه تولید پنیرهای مختلف به خصوص پنیر چدار معروف است. صنعت تولید مرغ و ماکیان انگلستان هم در این منطقه متمرکز شده است.

غربی‌ترین استان‌ها که دژ و کورنوال هستند از نظر جغرافیایی با همسایه‌هایشان بسیار متفاوتند. چینه‌بندی گرانیتی عظیم در دژ فلات‌های بلندی پدید آورده است با تپه‌هایی زمخت که تعداد اندکی درخت دارند و پوشش گیاهی اصلی آن‌ها علف‌های زبر و خشن و خلنگ است. کورنوال نیز مثل انگلیای شرقی وجوه تمایز خاصی دارد. چینه‌بندی گرانیتی در این منطقه هم یافت می‌شود و یک چین‌خوردگی جغرافیایی که اخیراً در کف دریا رخ داده است سبب شده چندین دره رودخانه‌های

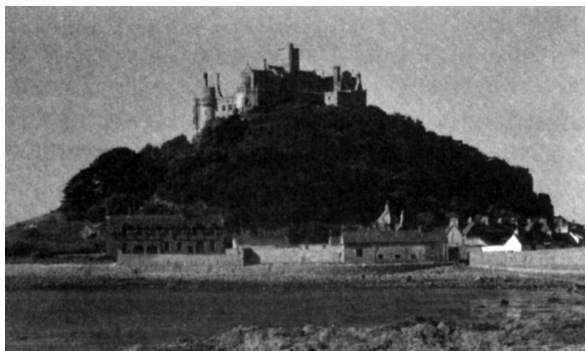
### کوه سن میشل



یک پدیده جغرافیایی غیرعادی که تقریباً در آخرین نقطه جنوب غربی انگلستان واقع شده، حدود دو هزار سال مورد استفاده انسان‌ها بوده است. درون قوس کوه بی<sup>۱</sup> در ساحل جنوبی کورنوال یک تپه صخره‌ای به طول کم‌تر از دو کیلومتر از آب سر بیرون آورده است. اغلب اوقات اطراف این منطقه را آب می‌گیرد و به جزیره تبدیل می‌شود، اما هنگام جزر یک راه باریک سنگی بین این جزیره و سرزمین اصلی به طول حدود ۴۵۰ متر پدیدار می‌شود. در دوران رومی‌ها، این محل جزیره ایکتیس نامیده می‌شد و بندری بود که کشتی‌ها از سراسر جهان باستان برای بارگیری قلع کورنوال به آن‌جا می‌آمدند.

نورمن‌ها به دلیل شباهت این محل با جزیره‌ای در ساحل فرانسه که مونت سن میشل نامیده می‌شد، این منطقه را هم مونت سن میشل نامیدند. این منطقه به راهبان فرقه بندیکت سپرده شد تا در آن‌جا صومعه‌ای بسازند. در سده شانزدهم هنگامی که هنری هشتم از کلیسای کاتولیک رم جدا شد، این صومعه

هم تعطیل شد و ساختمان آن را به دژ نظامی تبدیل کردند و به یکی از دژهای دفاعی ساحل جنوبی انگلیس در مقابل مهاجمان فرانسوی تبدیل شد. در سال ۱۶۵۹، مونت سن میشل را سر جان سنت آوین خریداری و خانه‌ای شکوهمند بر فراز تپه بنا کرد. نوادگان او هنوز هم در این ساختمان زندگی می‌کنند. **مونت سن میشل**





غربی‌ترین بخش استان کورنوال بیش از هر استان دیگری از باد و باران بهره‌مند می‌شود و در عین حال بعضی از زیباترین و دیدنی‌ترین سواحل انگلستان را هم دربر گرفته است.

ساحلی دچار آب‌گرفتگی شود و خورهای متعددی با دیواره‌های صخره‌ای به وجود بیاید. استان کورنوال که از سه طرف با دریا احاطه شده است، مرطوب‌ترین و بادگیرترین منطقه آب و هوایی انگلستان را داراست.

در زمان‌های کهن، دژ و کورنوال مهم‌ترین مناطق معدنی، به خصوص استخراج قلع بودند. امروزه این سرزمین عمدتاً محل کشاورزی و پرورش گاوهای شیری است.

### منطقه شمالی

بالای سرزمین‌های میانی، منطقه وسیعی قرار دارد که در سراسر تاریخ انگلستان تحت عنوان «شمال» نامیده شده است. شمال را می‌توان به سه منطقه عمومی تقسیم کرد: یورکشایر - هامبرساید، لنکاشایر - کامبریا و دورام - نورتامبرلند. شمال که از نظر جغرافیایی دوردست، از نظر اقتصادی فقیر و از نظر جمعیت کم‌جمعیت بود، همواره نقش ناچیزی در روابط این کشور سلطنتی داشته است. اما بعد از انقلاب صنعتی اوضاع تغییر کرد و شمال امروزه نقش مهمی در اقتصاد انگلستان ایفا می‌کند.



دریاچه دیدنی لیک  
دیستریکت در کامبریا  
بازدیدکنندگان زیادی از  
سراسر دنیا جلب می‌کند.

یورکشایر در گذشته بزرگ‌ترین استان انگلستان بود ولی حالا به سه استان تقسیم شده است: یورکشایر شمالی، غربی و جنوبی. در بخش غربی این منطقه کوه‌های پنائین قرار دارند که «ستون فقرات انگلستان» خوانده می‌شوند. این کوه‌ها از مرز اسکاتلند آغاز می‌شوند و تا میانه کشور ادامه یافته‌اند. در میان این کوه‌ها دره‌های عمیق واقع شده‌اند که دیل<sup>۱</sup> نامیده می‌شوند (دیل به معنای دره). در سوی شرقی یک منطقه مرتفع از جنس سنگ آهک و سنگ ماسه قرار دارد. تنها پوشش گیاهی این منطقه وسیع و برهوت علف‌های زبری است که فقط برای خوراک گوسفندان مناسب است.

بین این سرزمین مرتفع و رشته کوه‌ها دره یورک واقع شده است که خاک حاصلخیز آن برای کشت بخش عمده غلات انگلستان کافی است.

1. dale

دامپروری و پرورش دام‌های شیری نیز از صنایع مهم این منطقه به شمار می‌رود. در بخش جنوب شرقی، اقتصاد هامبرساید به رود هامبر و آبراه عمیق آن که ۳۵ کیلومتر در خشکی ادامه یافته، وابسته است. کینگستون یک مرکز صیادی و یکی از بنادر مهم انگلستان است.

در غرب کوه‌های پناین لنکاشایر و کامبریا قرار دارند. کامبریا معمولاً دیدنی‌ترین استان انگلستان به شمار می‌آید، زیرا لیک دیستریکت<sup>۱</sup> (= حوزه دریاچه) در آن واقع است. لیک دیستریکت دارای قله‌های کوهستانی و دره‌های عمیقی است که دریاچه‌هایی در آن‌ها به وجود آمده و درست در غرب کوهستان قرار دارد. بلندترین قله‌های انگلستان در مناطق کاملاً شرقی کامبریا قرار دارند. بخش عمده‌ای از این زمین‌ها فقط برای پرورش گوسفند مناسب است ولی در حوزه چشایر نیز کشت و زرع نسبتاً رواج دارد.

لنکاشایر، در جنوب کامبریا نیز منطقه‌ای مرتفع دارد که در کناره غربی کوه‌های پناین واقع است. در شمال گوساله‌های گوشتی و شیری پرورش داده می‌شوند و بنادر مهم لنکاستر، لیورپول و پریستون در خط ساحلی این منطقه قرار دارند.

بکرترین منطقه انگلستان در شمالی‌ترین بخش کشور است، که قرن‌ها میدان نبرد بین انگلیسی‌ها و مهاجمان اسکاتلندی بود. در این منطقه هم مثل اغلب مناطق شمالی مشخصات جغرافیایی تحت تأثیر کوه‌های پناین است. در دو استان اصلی دورام و نورتامبرلند شیب زمین از سمت کوه‌ها به سوی شرق سرازیر می‌شود تا به دریای شمال برسد. رودها از میان تپه‌ها می‌گذرند و امکان کشت و زرع در دره‌ها وجود دارد، اما اغلب زمین‌ها برای چرای گوسفندها استفاده می‌شوند. در غرب شهرها اندک هستند و مسافت بین شهرها زیاد است. غرب نورتامبرلند کم‌جمعیت‌ترین منطقه انگلستان است و به واسطه کوه‌های چویوت<sup>۲</sup> از اسکاتلند جدا شده است.

---

1. Lake District

2. Chevoit Hills